



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)
doi <http://dx.doi.org/10.22067/PG.2023.82656.1217>

پژوهشی

بررسی و تبیین عوامل و منابع تنش و منازعه میان واحدهای تقسیمات کشوری (مطالعه موردی: استان فارس)

زهره احمدی پور (استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. نویسنده مسئول)

ahmadyz@modares.ac.ir

حسن جعفرزاده (دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

jafarzadeh.hassan@yahoo.com

چکیده

مطالعه تنش‌ها و منازعات محلی میان قلمروهای سیاسی - اداری نشان می‌دهد که این تنش‌ها در گذر زمان سیر صعودی داشته و ابعاد، گستره و شدت آن به مرور افزایش یافته است. از طرف دیگر بررسی تغییرات تقسیمات کشوری در ایران نشان می‌دهد که در بین استان‌های کشور، استان فارس از جمله واحدهایی است که طی دهه‌های اخیر بیشترین تغییرات را در زمینه تقسیمات کشوری داشته است. همزمان با این تغییرات، تنش‌ها و منازعات قلمروهای سیاسی - اداری آن در سطوح درون استانی و بین‌استانی افزایش یافته است. روند رو به گسترش منازعات محلی میان قلمروهای سیاسی - اداری به دلیل وجود زمینه‌ها، بسترها، نیروها و عواملی است که در شکل‌گیری و نقش‌آفرینی آنها نقش موثری دارند. از اینرو در این تحقیق با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی مهم‌ترین عوامل و منابع تنش و منازعه میان قلمروهای سیاسی - اداری استخراج گردید. سپس در سطح قلمرو مطالعاتی تحقیق (استان فارس)، حدود ۴۴ مسئله تنش‌زا و منازعه‌آمیز در قالب ۲۵ موضوع درون استانی و ۱۹ موضوع بین‌استانی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که همه مولفه‌های استخراج شده در بخش منابع کتابخانه‌ای، در ایجاد تنش و منازعه میان قلمروهای سیاسی - اداری استان فارس در دو سطح درون استانی و بین‌استانی نقش آفرین بوده‌اند.

واژگان کلیدی: تنش و منازعه، تقسیمات کشوری، قلمرو سیاسی - اداری، استان فارس.

مقدمه و بیان مسئله

با شکل‌گیری نخستین واحدهای سیاسی - فضایی در چارچوب سازماندهی سیاسی فضا، پدیده تنش و منازعه که همواره جزئی از تاریخ بشر بر روی سیاره زمین بوده است، نیز دستخوش تحول شد و در سطوح مختلف سازماندهی سیاسی فضا اعم از محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی گسترش یافت. در میان واحدهای مختلف سیاسی - فضایی، اکثر منازعات در طول تاریخ میان کشورهای (دولت - ملت) همسایه و در سطح منطقه‌ای به وقوع پیوسته است که ریشه آن عمدتاً بدلیل عوامل ژئوپلیتیکی بوده است (Hafeznia & Ghorbaninejad 2015:1). با این حال از همان دوران اولیه شکل‌گیری حکومت‌ها، درگیری‌های میان واحدهای سیاسی محلی - ناحیه‌ای نیز وجود داشته است. درگیری و منازعه میان دولت شهرهای یونان باستان (آتن و اسپارت) از مهم‌ترین این نوع از منازعات به شمار می‌رود (Schellenberg and Irish, 2014:57). در چند دهه اخیر به دلیل عوامل مختلفی مانند رشد جمعیت و روند رو به رشد نیازهای جوامع بشری به منابع جغرافیایی و بنیادهای زیستی از جمله آب، زمین، منابع معدنی، جنگل‌ها و مراعات و...، تشدید قوم‌گرایی در سطح نواحی و همچنین تغییرات در نحوه مدیریت سیاسی فضای ملی در اثر تحولات سیاسی - اجتماعی، مقیاس و ماهیت تنش و منازعه به صورت چشمگیری تغییر یافته است و عمدتاً از سطح منطقه‌ای و بین کشوری به سطح درون کشوری تغییر یافته است. بدین ترتیب که اگرچه منازعات بین کشوری کاهش یافته است، اما منازعات درون کشوری بخصوص در کشورهایی که از نظر جغرافیایی، فرهنگی، مذهبی، قومی و... دارای شکاف و ازهم‌گسیختگی هستند شدت گرفته است (Smith, 2008:21 & Harbom, Högladh and Wallensteen, 2006:13). تفاوت‌ها و تعارضات بنیادی در زمینه‌های مختلف فرهنگی و قومی، فضایی - جغرافیایی، تاریخی، سیاسی و... زیربنای بسیاری از تنش‌ها منازعات داخلی کشورها است، اما یکی از مهم‌ترین عوامل تشدیدکننده و یا کاهش دهنده منازعات داخلی، چگونگی سازماندهی سیاسی فضا در چارچوب نظام تقسیمات کشوری است. شیوه‌این سازماندهی در قالب تقسیمات کشوری می‌تواند گروه‌های انسانی ساکن در نواحی درون کشوری را به سمت منافع مشترک، همزیستی، همگرایی و همکاری متقابل سوق دهد و یا زمینه واگرایی، تعارض منافع و افزایش تنش‌ها و منازعات میان آنها را در سطوح ناحیه‌ای و محلی فراهم سازد (Jackson & Scott, 2007:6-5; Bazzi & Gudgeon, 2016:1). در ایران با وجود سابقه و تجربه طولانی در امر سازماندهی سیاسی فضا، طبق تحقیقات صورت گرفته در حال حاضر نظام تقسیمات کشوری دچار چالش‌های مختلفی از جمله شکل‌گیری انگاره تبعیض میان اقوام و حکومت مرکزی و در نتیجه تشدید واگرایی‌ها (Rashidi & Alipour, 2016)؛ عدم انطباق مرزهای سیاسی - اداری بر قلمروهای خرده فرهنگی و بی‌تعادلی و شکاف بین مناطق مرکزی و حاشیه‌ای (Ahmadipour

(Rahnama, 2011:32)؛ ضعف توجه به الزامات محلی و ناکارآمدی تقسیمات کشوری در سطح محلی (Riahi, et al., 2020)؛ ناهمگن بودن حوزه‌های تقسیماتی و به تبع آن عدم انطباق با الزامات منطقه‌ای (Ahmadipour, & Jafarzadeh, 2014)؛ تفرق سیاسی و عملکردی و ضعف سازوکار و هماهنگی و همکاری بین مدیران و مسئولان در نظام تقسیمات کشوری (Barakpour & Masoudi, 2016)؛ عدم وحدت ساختاری، کارکردی و همگنی جغرافیایی واحدها؛ تشدید رقابت‌های محلی و ناحیه‌ای میان واحدهای تقسیماتی، بی توجهی به مشارکت مردم در نظام مدیریتی تقسیمات کشوری (Azami & Dabiri, 2012) و دخالت عوامل غیر رسمی مستتر در قدرت در تغییر مرزهای تقسیمات کشوری (Ahmadipour, & Mirshekaran, 2009) می‌باشد. چنین شرایطی سبب گسترش واگرایی تشدید منافع متعارض، گسترش واگرایی‌ها و در نتیجه رشد تنش‌ها و منازعات میان قلمروهای سیاسی- اداری طی دهه‌های اخیر شده است؛ بطوریکه در حال حاضر منازعات مختلفی در سطح کشور در سطوح و ابعاد مختلف میان قلمروهای تقسیمات کشوری پدید آمده است. در میان استان‌های کشور، استان فارس از جمله نواحی با تنش بالا در زمینه قلمروهای سیاسی- اداری است. این استان از جمله استان‌هایی است که بیشترین تغییرات را در حوزه تقسیمات کشوری داشته است؛ به طوری که تعداد شهرستان‌های آن از ۴ شهرستان در سال ۱۳۱۶، به ۳۶ شهرستان در سال ۱۴۰۰ افزایش یافته است (Office of Administrative Divisions, 2022). علاوه بر این تغییرات گسترده‌ای نیز در قالب انتزاع، الحاق، ایجاد واحدهای جدید مانند بخش، دهستان و شهر، اصلاح مرز و تغییر نام واحدها داشته است. تغییرات صورت گرفته در تقسیمات کشوری استان فارس عمدتاً متأثر از عواملی مانند رقابت‌های مکانی، جغرافیای قدرت و حمایت، دورافتادگی و محرومیت واحدها و تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی بوده است (Ahmadipour, & Ghanbari, 2009:45). همزمان با تغییرات صورت گرفته در حوزه‌های تقسیماتی، میزان تنش‌ها و منازعات نیز طی دهه‌های اخیر در سطح استان میان قلمروهای سیاسی- اداری آن و همچنین میان استان با استان‌های همجوار آن افزایش یافته است. شدیدترین منازعات در حوزه تقسیمات کشوری استان فارس در فروردین ۱۳۹۷ در اعتراض به طرح تقسیم شهرستان کازرون و تشکیل شهرستان جدید کوه چنار به وقوع پیوست که منجر به بروز منازعات گسترده در این منطقه گشت و بازتاب‌های زیادی در سطح ملی و حتی بین‌المللی داشت. به نظر می‌رسد با ادامه روند فعلی تقسیمات سیاسی- اداری در استان فارس و ناپایداری مرزهای تقسیمات کشوری تحت تاثیر معیارهای غیر اصولی و همچنین گسترش رقابت میان قلمروهای سیاسی- اداری جهت دستیابی به منابع و موقعیت‌های قدرت و

ثروت در سطح نواحی، گسترش تنش‌ها و منازعات در آینده نیز اجتناب ناپذیر بوده و این امر تبعات و تأثیرات گسترده‌ای را در ابعاد مختلف سیاسی، امنیتی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، ژئوپلیتیکی و... در سطوح محلی، منطقه‌ای و حتی ملی بر جای خواهد گذاشت. از اینرو ریشه یابی چنین تحولاتی در قلمرو استان فارس نیازمند شناخت بسترها، زمینه‌ها، نیروها و عواملی است که سبب بروز منافع متعارض میان قلمروهای سیاسی- اداری و در نتیجه ایجاد و گسترش تنش و منازعه میان آنها می‌شود. لذا مسئله اصلی این تحقیق را می‌توان بدین صورت بیان کرد: مهم‌ترین عوامل و منابع تنش و منازعه میان قلمروهای سیاسی - اداری تقسیمات کشوری در استان فارس چیست؟.

روش تحقیق

این پژوهش از حیث هدف کاربردی است و نتایج حاصل از مطالعه موردی تحقیق می‌تواند مورد استفاده برنامه ریزان و مسئولان تصمیم گیرنده قرار گیرد. پژوهش حاضر از لحاظ ماهیت و روش یک تحقیق توصیفی- تحلیلی است که به دنبال شناسایی عوامل و منابع تنش و منازعه میان قلمروهای سیاسی- اداری تقسیمات کشوری است. در این راستا ابتدا با رویکردی قیاسی، ماهیت و چیستی، چرایی و چگونگی تنش‌ها و منازعات میان قلمروهای سیاسی- اداری تعریف و مفهوم بندی شده و سپس نحوه کارکرد و روابط منطقی و سیستماتیک آنها در قالب الگوی نظری ترسیم می‌شود. سپس با استفاده از رویکرد استقرایی در سطح قلمرو مطالعاتی تحقیق، تنش‌ها و منازعات در استان فارس در سطح درون استانی و بین‌استانی استخراج، دسته بندی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

از نظر روش جمع آوری اطلاعات تکیه اصلی این پژوهش بر منابع کتابخانه‌ای است. در یافته‌های کتابخانه‌ای در حوزه قلمرو تحقیق، تنش‌ها و منازعات میان قلمروهای سیاسی- اداری بر اساس منابعی مانند اسناد رسمی، پایگاه‌های خبری، خبرگزاری‌ها و پرتال‌های سازمان‌ها و مراکز دولتی و غیردولتی و پژوهش‌های صورت گرفته پیشین مرتبط با قلمرو تحقیق، استخراج و مورد بررسی قرار گرفته است.

مبانی نظری

تقسیمات کشوری:

تقسیمات کشوری یکی از حساس‌ترین و مهمترین اهداف و ابزار دولتها در جهت مدیریت بهینه سرزمین و همگام با آن حفظ وحدت و یکپارچگی در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی به شمار می‌رود (Riahi, et al., 2020:123) و چگونگی کارکرد آن با توجه به نوع نظام سیاسی حاکم و همچنین میزان، ابعاد و جهت‌های تهدید درونی و بیرونی، فرهنگ سیاسی، همگنی یا ناهمگنی قومی- فرهنگی، سیستم اقتصادی، شبکه‌های

ارتباطی، فضای حاکم بر منطقه جغرافیایی و... متفاوت می‌باشد (Karimipour & Mohammadi, 2008:14). این تقسیمات به عنوان بازتاب نظام حاکمیت ملی و ساختار سازمانی آن در پهنه فضای جغرافیایی، ابزار موثری جهت مدیریت بخش‌های مختلف کشور و همچنین موضوعی استراتژیک در ارتباط با نظام توسعه ملی در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به شمار می‌رود (Wang and Yi liu, 2019:195). تقسیمات کشوری، سازمان فضایی کشور در قالب واحدهای کوچک‌تر اداری- سرزمینی همراه با سیستم دولت محلی اداره‌کننده آنهاست (venice commission, 2004:4). مدیریت فضای یک کشور نیازمند یک سیستم اداری - سرزمینی کارآمد می‌باشد که بتوان از طریق آن ضمن نظارت و اعمال حاکمیت حکومت در سطح نواحی، برنامه‌های ملی و محلی را در سطوح گوناگون در پهنه فضایی کشور اجرا کرد (Creanga, 2001:1). برنامه‌های ملی توسعه در واحدهای سیاسی - اداری که از نظر فرهنگی - اجتماعی و طبیعی همگن‌تر باشد، بهتر به اجرا در آمده و کارایی بیشتر دارند (tumanyan, 2004:21). در این صورت نظام تقسیمات کشوری به عنوان بستر شکل‌یابی نظام مدیریت سرزمینی و تشکیلات اداری تقسیم سرزمین به واحدهای همگن کوچک‌تر اداری- سیاسی، تعادل‌های فضایی را از طریق امکان مدیریت کارآمد و بهینه فضا فراهم می‌کند (Halas and others, 2017:3). در چارچوب تقسیمات کشوری، قلمروهای سیاسی- اداری ظرف مکانی به شمار می‌رود که می‌توان آن را فصل مشترک تمام پدیده‌های عینی و غیرعینی نظیر منابع طبیعی، وضعیت توپوگرافیک، آمایش سرزمینی جمعیت، ساختار فرهنگی و قومیتی، فعالیت، زیرساختها، تشکیلات، روابط، حرکات و... دانست (Etaat, & Mousavi, 2011:90). در حوزه سیاسی این واحدها دارای کارکردهای مدیریتی و ساماندهی امور مربوط به سرزمین و مردم، فرمانروایی و اعمال ایدئولوژی نظام حاکم، امنیتی، قضایی، انتخاباتی و سیاست‌گذاری‌های مختلف می‌باشند (Hafeznia, 2012:371). از منظر فضایی، سازمان سیاسی - اداری فضای ملی، مدیریت و اداره نقاط سکونتگاهی مثل روستاها و شهرها و همچنین پهنه‌های سیاسی - اداری مانند شهرستان‌ها و استان‌ها را شامل می‌شود. لازمه عملکرد موفق و موثر این مدیریت، تنظیم پیوندها و حلقه‌های ارتباطی موثر میان سطوح، نقاط و مراکز مختلف تقسیماتی می‌باشد. از لحاظ کارکرد، تقسیمات کشوری نقش تسهیل‌کنندگی در ارائه خدمات و امکانات برای مناطق مختلف یک کشور و همچنین اعمال حاکمیت دولت تا پایین‌ترین سطح سیاسی در پهنه فضایی کشور را دارد (Ahmadipour, Z., & Mansourian, 2005:63). در این صورت سیستم تقسیمات کشوری بهینه اساس برنامه ریزی‌ها را در سطوح ناحیه‌ای و ملی تشکیل داده (Ahmadipour, Z., & Mansourian, 2005:60) و از طریق تقویت کارکردهای دولت‌های محلی مستقر در قلمروهای سیاسی- اداری می‌تواند با ایجاد بستری مناسب برای همزیستی گروه‌های مختلف قومی و فرهنگی، توزیع بهینه منابع و

کاهش نابرابری در سطح سرزمین، افزایش تعامل میان دولت‌های محلی و دولت مرکزی، بهبود ارائه خدمات و کاهش نارضایتی‌ها در این زمینه، تسهیل حاکمیت دولت و افزایش کارایی آن، زمینه سازی مشارکت مردمی در امور محلی و افزایش مشروعیت حکومت، توزیع متوازن قدرت در میان بازیگران مختلف سطح فروملی، کنترل مناطق دور افتاده و... زمینه کاهش تنش‌ها و منازعات را در سطح نواحی و ملی فراهم سازد (Bazzi and Gudgeon, 2016:1& Jackson & Scott, 2007:6-5).

محیط شناسی تحقیق

استان فارس حدوداً بین مدارهای $۲۹^{\circ} ۲۵'$ عرض شمالی در جنوب کشور واقع شده است. این استان با مساحتی در حدود $۱۲۲٬۶۰۸$ کیلومتر مربع، چهارمین استان پهناور ایران (۷.۴ وسعت کل کشور) و با جمعیتی معادل $۴٬۸۵۱٬۲۷۴$ نفر، بر طبق برآورد جمعیتی سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، چهارمین استان پرجمعیت کشور به‌شمار می‌رود. به لحاظ موقعیت جغرافیایی استان فارس از شمال به اصفهان و کهگیلویه و بویراحمد، از شرق به استانهای یزد و کرمان، از مغرب به استان بوشهر و از جنوب به استان هرمزگان محدود شده است (Iran Statistics Center, 2015). بر اساس تقسیمات کشوری سال ۱۴۰۰ خورشیدی، استان فارس به ۳۶ شهرستان، ۹۶ بخش، ۲۲۰ دهستان و ۱۲۰ شهر تقسیم شده است (Office of Administrative Divisions, 2022).



شکل شماره ۱: نقشه تقسیمات کشوری استان فارس در سال ۱۴۰۰ (Iran Statistics Center)

یافته‌های تحقیق

یافته‌های کتابخانه‌ای

تفاوت‌ها و تعارضات جغرافیایی مناطق در ابعاد طبیعی و انسانی باعث شکل‌گیری گروه‌ها و بازیگران مختلف در سطح فضا و منافع متعارض میان آنان شده است. در چنین شرایطی تقسیم سرزمین در قالب سازماندهی سیاسی فضا که نمود عینی آن تقسیمات کشوری است، نقش مهمی در کاهش منازعات از طریق نزدیک ساختن منافع متعارض و تبدیل آن به منافع مشترک از طریق ایجاد نظام فضایی منسجم مبتنی بر همگنی‌های ساختاری و کارکردی دارد. در مقابل در صورتی که تقسیمات سیاسی - اداری یک کشور بدون توجه به واقعیت‌های جغرافیایی و اصول برنامه ریزی انجام شود، در این صورت تفاوت‌ها و تعارضات جغرافیایی از طریق ایجاد حوزه‌های ناهمگن و غیرکارکردی، باعث تشدید منافع متعارض میان گروه‌ها و بازیگران ساکن در پهنه فضایی کشور شده و بدین ترتیب تنش‌ها، کشمکش‌ها، مناقشات و منازعات میان آنها در سطوح، ابعاد و به اشکال مختلف پدیدار می‌شود و این امر از شکل‌گیری نظام مدیریت سرزمینی مبتنی بر

- توسعه پایدار مناطق جلوگیری می‌کند. به طور کلی مهم‌ترین منابع و عوامل تنش میان واحدهای سیاسی - اداری تقسیمات کشوری را می‌توان بر اساس مولفه‌های زیر دسته بندی کرد:
۱. الگوی مدیریت سیاسی فضا: مدیریت سیاسی فضا در قالب متمرکز یا فدرال می‌تواند از طریق مولفه‌هایی مانند افزایش جدایی طلبی‌های قومی و حاشیه‌ای، بروز پدیده ملی‌گرایی حاشیه‌ای، تشدید نابرابری‌های فضایی و نادیده انگاشتن نظرات ساکنان نواحی در تصمیم‌گیری‌های محلی باعث ایجاد تنش و منازعه در سطح واحدهای سیاسی اداری شود.
 ۲. تغییرات مرزها و محدوده‌های تقسیمات کشوری: این تغییرات در قالب انتزاع، الحاق و یا ایجاد واحد سیاسی جدید، اگر منطبق با واقعیت‌های محلی نباشد می‌تواند با نادیده انگاشتن هویت‌های محلی و واکنش آنها، بازتولید منازعات تاریخی، تشدید رقابت‌های محلی، بر هم خوردن تعادل‌های اکولوژیک و تغییر موقعیت برخی واحدها باعث ایجاد نارضایتی در سطح نواحی و شکل‌گیری تنش‌ها و منازعات شود (swianiewicz,2010:11 & Bächler,2004:2). همچنین با تشکیل واحدهای جدید سیاسی - اداری جدید، نهادهای سیاسی جدیدی ظاهر می‌شوند که به دنبال ارتقای موقعیت واحد سیاسی - اداری خود هستند. این فرایند موجب تضاد منافع میان گروه‌ها، نخبگان و دیگر دولت‌های محلی می‌شود و در نتیجه زمینه‌دگرگیری را فراهم می‌سازد (Suraji and Embi,2018:243).
 ۳. حس مکان و تاثیرات هویتی آن: مرزبندی‌های سیاسی - اداری می‌تواند هویت متمایزی را مبتنی بر روابط کارکردی در نواحی سیاسی بوجود بیاورد (Bazzi and Gudgeon,2018:29). در این صورت نادیده انگاشتن احساس، تعلق و هویت مکانی در سازماندهی سیاسی فضا و تغییرات ناشی از آن باعث تحریک احساسات منفی ساکنان و بروز ناآرامی‌های خشونت آمیز می‌شود (Ahmadipour, & Mirzaei Tabar, 2009:60).
 ۴. جغرافیای قدرت و حمایت: این پدیده منافع یک ناحیه یا مکان خاص را بدون توجه به پیوستگی‌ها، اثرات و پیامدهای آن بر نواحی همجوار در نظر می‌گیرد. از اینرو تاثیرات جغرافیای قدرت و حمایت فرایند تقسیمات را از حالت طبیعی خود خارج کرده و باعث می‌شود تا نظام تقسیماتی و تغییرات آن بر اساس مولفه‌های غیر واقعی و غیر اصولی تعیین شود. این امر تاثیرات مخربی را در سطح نواحی بر جای گذاشته و نظم و تعادل طبیعی مناطق مختلف را در پهنه فضا بر هم می‌زند. پدیده جغرافیای قدرت و حمایت نقش مهمی در ایجاد تنش‌ها و منازعات میان واحدهای سیاسی اداری ایفا می‌کند. زیرا این پدیده به طور مستقیم سایر عوامل تنش‌زا را نیز تحت تاثیر قرار داده و به نوعی خود عامل اصلی بسیاری از منابع دیگر تنش و منازعات محلی است.

۵. اختلافات مرزی: مرزهای نواحی سیاسی - اداری در درون کشورها ممکن است به دلیل برخورد میان قلمرو و نفوذ میان دو گروه، باعث رقابت و درگیری میان آنها شود. در این صورت تغییرات مرزی ناشی از این اختلافات درگیری‌ها سبب ناپایداری آنها و تغییر مداوم آنها می‌شود (Dolphus, 1998: 137). اختلافات مرزی در قالب اختلافات مکانی، اختلافات ارضی، اختلافات عملکردی و اختلافات ناشی از وجود یک منبع مشترک اقتصادی منجر به تنش و منازعه می‌شود (Prescott, 1987: 93).

۶. عدم همگنی طبیعی و فرهنگی قلمروهای سیاسی - اداری: این عامل باعث از بین رفتن وحدت فضایی ناحیه و کاهش تعاملات فضایی، عدم تشکیل حوزه‌های عملکردی، تشدید رقابت‌های قومی و فرهنگی، غالب شدن یک گروه خاص بر ناحیه و... خواهد شد که نتیجه این امر گسترش تنش و منازعه در سطح واحدهای تقسیماتی خواهد بود (Pour Mousavi, 2009: 91-94).

۷. توسعه نامتوازن ناحیه‌ای: ناهماهنگی و ناموزونی سطح توسعه یافتگی میان سطوح تقسیمات کشوری و ناهماهنگی در پروسه توسعه و در نتیجه نابرابریهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باعث عدم تعادل در واحدهای سیاسی - اداری می‌شود (Etaat, & Mousavi, 2009: 71). عدم تعادل‌های فضایی و منطقه‌ای نیز با افزایش بسترهای نارضایتی اقتصادی - اجتماعی، ادامه روند مهاجرت و حاشیه نشینی، افزایش فرایند واگرایی و مرکزگریزی در مناطق مختلف، افزایش احساس تبعیض و فاصله طبقاتی، توزیع نامتوازن جمعیت و تخلیه جمعیتی بخش‌هایی از قلمرو ملی و... همراه است که این امر در نهایت منجر به بروز نارضایتی در سطح ساکنان نواحی سیاسی - اداری و افزایش تنش‌ها و منازعات خواهد شد (Azami & Dabiri, 2009: 190).

۸. رقابت‌های محلی: رقابت‌های محلی در قالب رقابت برای دستیابی و تسلط بر: موقعیت‌های سیاسی قدرت و ثروت و همچنین تصاحب و بهره برداری از منابع جغرافیایی و زیستی از عوامل مهم تنش و منازعه میان واحدهای سیاسی - اداری است. از منظر ژئوپلیتیک محلی رقابت بر سر تصاحب فضا و بهره برداری از آن میان بازیگران مختلف محلی که دارای منافع متعارض هستند، مظهری از رقابت‌های ژئوپلیتیکی فضا هرچند در مقیاس کوچک به شمار می‌رود. نیاز به قلمرو و منابع آن از جمله اراضی قابل کشت، جنگل‌ها، منابع آب، منابع معدنی و انرژی، زمین و... و کمبود آنها سبب بروز رقابت‌ها میان بازیگران مختلفی می‌شود که هریک در جستجوی منافع خاص خود هستند (Subra, 2012: 55-57).

۹. حوزه بندی انتخاباتی: این عامل رقابت‌های تنش آمیز را جهت دستیابی به موقعیت‌های قدرت در سطح نواحی سیاسی - اداری گسترش داده و در قالب مولفه‌هایی مانند تغییر مرزبندی‌های سیاسی - اداری به منظور تغییر نتایج انتخابات (جری مندرینگ)، تسهیم نامتناسب حوزه‌های انتخاباتی و اثر همسایگی از جمله عوامل

تنش و منازعه میان واحدهای تقسیماتی است. تنش‌های انتخاباتی در اولین دوره انتخابات محلی واحدهای جدید سیاسی - اداری که دارای تفاوت‌های قومی و فرهنگی هستند، بسیار محتمل است و احتمال کشیده شدن آن به سمت خشونت و آشوب زیاد است (Bazzi and Gudgeon, 2018:23).

۱۰. شکل و وسعت نامتوازن واحدهای تقسیماتی: این عامل باعث تأثیرات منفی مانند عدم ایجاد وحدت ساختاری و کارکردی در سطح واحد، ممانعت از شکل‌گیری یک شبکه ارتباطی منظم در سطح واحد، حرکت سرمایه‌ها و روابط اقتصادی نواحی حاشیه‌ای به سمت واحدهای مجاور و افزایش واگرایی آنها، عدم شکل‌گیری حس تعلق مکانی در پهنه واحد و مشارکت ضعیف ساکنان در سطح ناحیه می‌شود (Pishgahifard. Z & Gholami, 2010:90). چنین روندی نواحی سیاسی - اداری را به سمت منافع متضاد و گسترش تنش‌ها سوق می‌دهد.

۱۱. تنش‌های زیست محلی: از لحاظ زیست محیطی، تقسیمات کشوری و تغییرات حاصل از آن به طور مستقیم بر روی محیط جغرافیایی و منابع زیستی آن تأثیر گذاشته و اکوسیستم‌های محلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این زمینه تغییرات واحدهای تقسیماتی و ایجاد یک واحد جدید در یک ناحیه ممکن است با تغییرات در بهره برداری از منابع زیستی و جغرافیایی و پیامدهای زیست محیطی ناشی از آن، تعادل‌های جغرافیایی را در سطح نواحی از بین ببرد و از اینرو زمینه تنش و درگیری میان واحدهای سیاسی - اداری را فراهم سازد (swianiewicz, 2010:11). از مهم‌ترین پیامدهای تنش آمیز زیست محیطی می‌توان به مواردی مانند افزایش درگیریهای محلی بر سر منابع طبیعی، کاهش سطح رفاه ساکنان نواحی، بی‌اعتمادی عمومی نسبت به عملکرد مدیران محلی، افزایش بیکاری، چالش در مدیریت فضای منطقه، محروم شدن انسانها از زیستن در مکان مورد علاقه، افزایش مهاجرت‌ها و حاشیه نشینی، توسعه نابرابری ناحیه‌ای، تعطیلی صنایع تبدیلی و... اشاره کرد (Ahmadi, S., & Akbarzadeh, 2018:95).

عوامل ذکر شده فوق در یک رابطه سیستماتیک و کنش متقابل با یکدیگر عمل کرده و با نقش آفرینی خود سبب شکل‌گیری منافع متعارض در سطح نواحی و به تبع آن ایجاد و تشدید تنش‌ها و منازعات می‌شوند.



شکل شماره ۲: الگوی عوامل و منابع تنش و منازعه میان قلمروهای سیاسی - اداری تقسیمات کشوری (Authors).

یافته‌های میدانی:

بر اساس یافته‌های میدانی در حوزه قلمرو تحقیق، حدود ۴۴ موضوع منازعه آمیز میان قلمروهای سیاسی - اداری استان فارس در قالب ۲۵ موضوع درون استانی و ۱۹ موضوع بین‌استانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

منازعات درون استانی: استان فارس ۳۶ شهرستان دارد. منازعات میان شهرستان‌های استان در قالب جدول زیر به طور خلاصه ذکر شده است:

جدول شماره ۱: مناطق و موضوعات تنش و منازعه در سطح شهرستان‌های استان فارس (Authors)

موضوع تنش	منطقه تنش
منازعات تشکیل شهرستان کوه چنار و جدایی آن از شهرستان کازرون	شهرستان کازرون و کوه چنار
تنش‌ها و منازعات جدایی دهستان خسرو و شیرین از شهرستان اقلید و الحاق آن به آباده	شهرستان اقلید و آباده
تنش‌ها و منازعات میان مرکز شهرستان لارستان و بخش‌های غربی آن از جمله بیرم و بنارویه و شهرستان‌های متزع از آن	شهرستان لارستان و شهرستان‌های متزع از آن
تنش‌ها و منازعات نسبت به تشکیل استان لارستان	شهرستان لارستان و شهرستان‌های متزع از آن
تنش‌ها و منازعات پیرامون بهره برداری از منابع آبی سد درودزن	شهرستان مرودشت و خرامه
تنش آبی شهرستان‌های پاسارگاد و ارسنجان پیرامون منابع آبی سد سیوند	شهرستان پاسارگاد و ارسنجان
تنش‌ها و رقابت‌های محلی در بهره برداری از منابع آبی سد سلمان فارسی	شهرستان قیر و کارزین و جهرم
تنش‌های مرزی شهرستان ممسنی و سپیدان در روستای رودشیر علیا	شهرستان ممسنی و سپیدان
تنش‌ها و منازعات مرزی شهرستان‌های داراب و استهبان	شهرستان داراب و استهبان
اختلاف و تنش‌های شهرستان زرین دشت و فسا بر سر مراتع مرزی	شهرستان زرین دشت و فسا
تنش‌ها پیرامون جدایی احتمالی بخش سیمکان از شهرستان بوانات	شهرستان بوانات و سرچهان
تنش‌های میان طوایف ساکن در شهرستان ممسنی و رستم	شهرستان ممسنی و رستم
تنش‌های زیست محیطی خشک شدن دریاچه بختگان و طشک	شهرستان بختگان، نی ریز و استهبان
تنش‌های زیست محیطی خشک شدن دریاچه مهارلو	شهرستان شیراز
اعتراض ساکنان دهستان فال شهرستان مهر به عبور خط لوله اتان از این منطقه	شهرستان لامرد
تنش‌های زیست محیطی تخریب پارک ملی بمو	شهرستان زرقان
تنش‌های زیست محیطی منطقه حفاظت شده بهرام گور	شهرستان نی ریز
تنش‌ها و منازعات احداث سد سیوند در شهرستان پاسارگاد	شهرستان پاسارگاد
تنش‌ها و منازعات انتقال پالایشگاه پارسیان از لامرد به مهر	شهرستان لامرد و مهر
اختلافات و تنش‌ها در غرب فارس برای قرار گرفتن در مسیر خطوط ارتباطی شیراز-بوشهر	شهرستان کازرون و فیروزآباد
تنش‌ها و رقابت‌های انتخاباتی	کل استان
تنش‌ها و منازعات تقسیم احتمالی استان فارس و رقابت برای مرکزیت استان جدید	کل استان
تنش‌های ناشی از عدم انطباق حوضه‌های آبریز و مرزهای سیاسی-اداری	کل استان
تنش‌ها و منازعات ناشی از تفاوت‌های قومی-فرهنگی	کل استان
تنش‌های مربوط به وسعت استان و شکل نامتوازن شهرستان‌های آن	کل استان

منازعات بین استانی: استان فارس با شش استان اصفهان، یزد، کرمان، هرمزگان، بوشهر و کهگیلویه و بویر احمد همسایه است. در حال حاضر استان فارس با همسایگان خود در زمینه‌های گوناگون دچار تنش و منازعه است که در قالب جدول زیر ذکر شده است:

جدول شماره ۲: مناطق و موضوعات تنش میان استان فارس و استان‌های همجوار (Authors)

موضوع تنش	استان‌های درگیر تنش
تنش‌ها بر سر آبخوان‌های مشترک مرزی میان استان فارس و یزد در حوضه ابرکوه	استان فارس و استان یزد
تنش‌ها و اختلافات مرزی استان فارس و یزد در شهرستان بوانات	
تنش‌ها بر سر انتزاع احتمالی شهر ایزدخواست فارس و الحاق آن به اصفهان	استان فارس و استان اصفهان
تنش‌ها و منازعات آبی استان فارس و اصفهان بر سر حقایق سد ایزدخواست	
تنش‌های مربوط به کوچ عشایر بین استان فارس و اصفهان	
تنش‌ها و منازعات آبی میان استان فارس و بوشهر بر سر انتقال آب از شهرستان کازرون به دشتستان	استان فارس و استان بوشهر
تنش‌ها و اختلافات میان استان فارس و بوشهر بر سر احداث سد نرگسی در شهرستان کازرون	
تنش‌ها و اختلافات استان فارس و بوشهر بر سر عوارض آلاینده‌گی منطقه عسلویه	
تنش‌ها و منازعات ناشی از الحاق احتمالی عسلویه بوشهر به استان فارس	
تنش‌ها نسبت به انتقال صنایع پتروشیمی استان فارس به استان بوشهر	
تنش‌های ناشی از انتزاع احتمالی شهرستان رستم از فارس و الحاق به استان کهگیلویه و بویر احمد	استان فارس و استان کهگیلویه و بویر احمد
تنش‌ها و منازعات احداث سد تنگ شیو در شهرستان رستم	
تنش‌ها و منازعات ناشی از انتقال آب سد تنگ سرخ کهگیلویه و بویر احمد به استان فارس	
تنش‌های ناشی از جدایی احتمالی بخش ماهور میلانی شهرستان ممسنی و الحاق به گچساران	
تنش‌ها و منازعات ناشی از الحاق اراضی مرزی نی ریز فارس به کرمان	استان فارس و استان کرمان
تنش‌ها و منازعات اتصال استان فارس به خلیج فارس از طریق پارسیان هرمزگان	استان فارس و استان هرمزگان
تنش‌های ناشی از میدان مشترک گازی تابناک میان فارس و هرمزگان	
تنش‌های ناشی از انتقال آب خلیج فارس	استان فارس و استان‌های همجوار
تنش‌ها و منازعات ناشی از توسعه نامتوازن استان فارس با استان‌های همسایه	استان فارس و استان‌های همجوار

تجزیه و تحلیل

با توجه به یافته‌های تحقیق، نقش آفرینی هر یک از متغیرها و مولفه‌های تنش آمیز در درون استان فارس و میان شهرستان‌های استان به شرح زیر می‌توان تحلیل کرد:

تغییرات مرزها و محدوده‌های تقسیمات کشوری: یافته‌های کتابخانه‌ای نشان می‌دهد که این متغیر در قالب انتزاع، الحاق و ایجاد واحد جدید یکی از مهم‌ترین عوامل تنش و منازعه میان قلمروهای سیاسی-اداری در درون استان فارس می‌باشد. بر این اساس تنش‌ها و منازعات تشکیل شهرستان کوه چنار و انتزاع آن از شهرستان کازرون، منازعات بر سر انتزاع دهستان خسرو و شیرین از اقلید و الحاق آن به آباده، تنش‌ها و منازعات میان مرکز شهرستان لارستان و بخش‌های غربی آن به دلیل انتزاع احتمالی آنها، تنش‌ها و منازعات نسبت به تشکیل شهرستان اوز و گراش و انتزاع آنها از لارستان، تنش‌ها و منازعات مرزی شهرستان‌های داراب و استهبان به دلیل تغییرات خط مرزی، اختلاف مرزی شهرستان ممسنی و سپیدان در روستای رودشیر

علیا، تنش‌ها پیرامون جدایی احتمالی بخش سیمکان از شهرستان بوانات و الحاق آن به شهرستان سرچهران را می‌توان در قالب مولفه تغییرات مرزها و محدوده‌های تقسیمات کشوری تحلیل کرد.

رقابت بر سر ارتقای سطح و مرکزیت سیاسی: یافته‌های کتابخانه‌ای نشان می‌دهد که تنش‌ها و منازعات به منظور ارتقای سطح سیاسی در قالب ارتقا از بخش به شهرستان و از شهرستان به استان جدید سبب بروز تنش‌ها و منازعاتی میان قلمروهای سیاسی- اداری در سطح استان شده است. رقابت برای ارتقای سطح سیاسی از شهرستان به استان در قالب تقسیم استان فارس پیرامون طرح‌هایی مانند تشکیل استان لارستان، استان فارس جنوبی، استان فارس غربی و استان قشقای می‌باشد. رقابت برای ایفای نقش مرکزیت استان احتمالی در نیمه جنوبی فارس باعث شکل‌گیری تنش‌ها و منازعات مختلفی میان شهرهای لار، جهرم، فسا، داراب و لامرد شده است. در غرب فارس نیز شهرستان کازرون مدعی مرکزیت استان احتمالی در غرب استان است که با واکنش سایر شهرستان‌ها از جمله ممسنی و فیروزآباد روبه رو شده است. تنش‌ها و منازعات ارتقای سطح سیاسی از بخش به شهرستان را می‌توان در وقایع تشکیل شهرستان‌های کوه چنار، گراش، اوز و تلاش بخش‌های غربی لارستان از جمله بنارویه و بیرم برای ارتقای سیاسی و تشکیل شهرستان جدید بیان کرد.

رقابت‌ها و اختلافات در مالکیت و بهره برداری از منابع جغرافیایی: بر اساس یافته‌های کتابخانه‌ای، رقابت‌ها و اختلافات شهرستان اقلید و آباده در دهستان خسرو و شیرین؛ تنش‌های پیرامون سد درودزن جهت انتقال آب از حوضه‌های بالا دستی سد واقع در مرودشت به حوضه‌های پایین دستی واقع در خرامه؛ تنش آبی شهرستان‌های پاسارگاد و ارسنجان پیرامون انتقال آب از سد سیوند پاسارگاد به ارسنجان؛ تنش‌ها و رقابت‌های محلی در مالکیت و بهره برداری از منابع آبی سد سلمان فارسی میان شهرستان‌های قیر و کارزین، جهرم، اوز و خنج؛ تنش‌ها و منازعات آبی پیرامون سد رودبال میان شهرستان‌های داراب، استهبان و فسا و اختلاف و تنش‌های شهرستان زرین دشت و فسا بر سر مراتع مرزی را می‌توان در قالب مولفه فوق بیان کرد.

رقابت در احداث و بهره برداری از زیرساخت‌های اقتصادی و صنعتی: تنش‌های میان شهرستان لامرد و مهر بر سر مکان‌گزینی پالایشگاه گاز پارسیان؛ رقابت میان شهرستان‌های کازرون و فیروزآباد در غرب فارس برای قرار گرفتن در مسیر خطوط ارتباطی از جمله راه آهن شیراز- بوشهر- عسلویه و بزرگراه شیراز بوشهر؛ رقابت میان شهرستان‌های داراب، استهبان، فسا، جهرم و فیروزآباد جهت دریافت امتیاز احداث پالایشگاه‌های پتروشیمی در قلمرو سیاسی- اداری آنها بر اساس طرح تجمیع پتروشیمی‌ها و رقابت‌های احتمالی در آینده میان شهرستان‌های استان مبنی بر اولویت قرار گرفتن در پروژه‌های انتقال آب خلیج فارس به آنها را می‌توان در قالب مولفه فوق تفسیر کرد.

حوزه بندی‌های انتخاباتی و رقابت‌های ناشی از آن: مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته پیرامون این موضوع نشان داد که اختصاص یک کرسی نمایندگی به چند شهرستان، عدم تناسب جمعیتی استان با تعداد کرسی‌های انتخاباتی تعیین شده، عدم تناسب کرسی‌های اختصاص یافته به حوزه‌های انتخابیه متناسب با جمعیت و شهرستان‌های حوزه، رقابت‌ها و وعده‌های انتخاباتی نامزدها مبنی بر ارتقای سطح و تغییر در تقسیمات کشوری باعث ایجاد تنش‌ها و منازعات مختلفی در درون استان شده است. بر این اساس اختصاص ۱۸ کرسی نمایندگی به ۳۶ شهرستان که چهار کرسی آن نیز به شهرستان‌های شیراز و زرقان اختصاص یافته است، باعث تشدید رقابت میان شهرستان‌های حوزه‌های انتخاباتی استان فارس شده است. همچنین با جمعیت معادل ۴٬۸۵۱٬۲۷۴ نفر و اختصاص ۱۸ کرسی نمایندگی به آن نشان دهنده کمبود کرسی‌های نمایندگی متناسب با جمعیت استان است. از سوی دیگر تناسبی میان حوزه‌های انتخابیه از لحاظ جمعیت و تعداد شهرستان‌های حوزه و کرسی‌های اختصاص یافته نمایندگی در سطح استان وجود ندارد. حوزه انتخابیه سپیدان (متشکل از شهرستان سپیدان و بیضا) با ۹۱ هزار نفر جمعیت و حوزه انتخابیه اقلید (متشکل از شهرستان اقلید) با جمعیت حدود ۹۴ هزار نفر هر کدام یک نماینده در مجلس شورای اسلامی دارند. در مقابل حوزه انتخابیه مروودشت، پاسارگاد و ارسنجان با سه شهرستان و حدود ۳۹۶ هزار نفر جمعیت و حوزه انتخابیه لار، گراش، اوز و خنج با چهار شهرستان و جمعیت بالغ بر ۳۰۹ هزار نفر که رقابت‌ها و تنش‌های مکانی میان آنها نیز شدید است، هر کدام تنها یک نماینده اختصاص یافته است. چنین شرایطی باعث تشدید رقابت‌های تنش آمیز در سطح حوزه‌های انتخابیه استان شده است. همچنین وعده‌های انتخاباتی نیز مبنی بر تغییر مرزبندهای سیاسی- اداری در منازعاتی مانند تشکیل شهرستان کوه چنار نقش اساسی داشته است.

شکل نامتوازن شهرستان‌های استان: بررسی شکل هندسی شهرستان‌های استان نشان می‌دهد که شکل هندسی بسیاری از شهرستان‌های استان مانند لارستان، گراش، خنج، لامرد، مهر، جهرم، استهبان، فسا، فراشبند، مروودشت و... به صورت نامتوازن و طولی می‌باشد. این امر باعث کاهش کارکرد عامل فاصله و دسترسی‌ها و عدم خدمات رسانی بهینه به مناطق حاشیه‌ای به خصوص در شهرستان‌های با وسعت زیاد و در نتیجه افزایش واگرایی آنها می‌گردد. در این میان شکل نامتوازن شهرستان لارستان به عنوان وسیع‌ترین شهرستان استان نقش مهمی در کاهش تعاملات فضایی میان مرکز و پیرامون آن و تشدید واگرایی‌ها در نواحی پیرامونی آن شده است. در حال حاضر شکل این شهرستان به صورت طولی دارای دو زائده دنبال دار در شمال و جنوب آن است و مباحث پیرامون انتزاع بخش‌های واقع در این زائده‌ها سبب بروز تنش‌های مختلفی در سطح این شهرستان شده است.

جغرافیای قدرت و حمایت: مطالعات کتابخانه‌ای پیرامون تنش‌ها و منازعات میان قلمروهای سیاسی - اداری در سطح استان فارس نشان می‌دهد که پدیده جغرافیای قدرت و حمایت در تنش‌ها و منازعات تشکیل شهرستان کوه چنار، جدایی دهستان خسرو و شیرین از اقلید و الحاق آن به آباده، منازعات شهرستان لارستان و شهرستان‌های متزع از آن، انتقال امتیاز احداث پالایشگاه پارسیان از لامرد به مهر، مباحث مربوط به تقسیم احتمالی استان و تلاش برای ایفای نقش مرکزیت آن و تغییرات خط مرزی شهرستان‌های داراب و استهبان نقش مهمی ایفا کرده است.

تخریب‌های زیست محیطی: بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که مسائل زیست محیطی مانند خشک شدن پهنه‌های آبی استان از جمله دریاچه‌های بختگان، طشک، مهارلو و پریشان و...، احداث سد‌های مختلف در سطح استان از جمله سد سیوند در شهرستان پاسارگاد، سد درودزن در شهرستان مرودشت، سد ملاصدرا در شهرستان اقلید، سد تنگ سرخ در شهرستان شیراز و...، تخریب پارک‌های ملی از جمله پارک ملی بمو و بختگان و منطقه حفاظت شده بهرام گور و آلودگی‌های کارخانجات و خطوط لوله از جمله عبور خط لوله اتان از منطقه فال لامرد باعث بروز تنش‌های زیست محیطی مختلفی مانند اختلال در سیستم اکولوژیکی مناطق مختلف استان، از بین رفتن بنیان‌های زیستی در سطح نواحی محلی، اختلافات میان سازمان‌های دولتی صنعتی و محیط زیستی و اعتراضات گروه‌های غیررسمی حامی محیط زیست در سطح استان شده است.

عدم همگنی طبیعی و فرهنگی قلمروهای سیاسی - اداری: مطابق با یافته‌های تحقیق از لحاظ طبیعی مرزهای سیاسی - اداری در سطح استان تطابقی با حوضه‌های آبریز نداشته و باعث ایجاد تنش‌ها و منازعات آبی میان حوضه‌های بالادستی و پایین دستی و همچنین پیامدهای زیست محیطی مانند خشک شدن دریاچه‌های استان از جمله بختگان و طشک شده است. از طرف دیگر کاهش تعاملات فضایی ناشی از عدم همگنی طبیعی سبب واگرایی دهستان خسرو و شیرین از شهرستان اقلید و منازعات ناشی از الحاق آن به شهرستان آباده شده است. همچنین تغییرات تقسیمات کشوری در برخی مناطق مانند مرز میان شهرستان‌های داراب و استهبان باعث از بین رفتن همگنی‌های طبیعی و برهم خوردن تطابق مرزهای سیاسی - اداری با حوضه‌های آبریز طبیعی شده است. از لحاظ همگنی فرهنگی، تنوع قومی - زبانی و مذهبی در سطح استان فارس سبب شده است که در اکثر شهرستان‌های استان ترکیبی از گروه‌های قومیتی و فرهنگی مختلف ساکن باشند. هرچند تاکنون تنش‌ها و منازعات قومی و فرهنگی شدیدی در مقیاس کلان در سطح استان فارس به دلیل هویت فراگیر استان و روابط کارکردی میان قومیت‌ها در سطح قلمروهای سیاسی - اداری رخ نداده است، اما در صورت اجرای طرح تقسیم استان و ایجاد تقسیم بندی‌های جدید سیاسی - اداری در سطح

نواحی دارای تكثر قومی، امکان وقوع منازعات قومی - فرهنگی بالاست. در این میان امکان منازعات بین قومی در شهرستان‌های غربی استان از جمله کازرون، فیروزآباد و ممسنی بیشتر است.

حس مکانی قلمروهای سیاسی - اداری و تاثیرات هویتی آن: مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که این عامل به صورت یک مکانیسم زیربنایی نقش آفرینی می‌کند و به عنوان بستر بسیاری از عوامل و منابع دیگر تنش و منازعه از جمله تغییرات تقسیمات کشوری، رقابت‌های محلی برای دستیابی به موقعیت‌های قدرت و ثروت و همچنین منابع جغرافیایی، رقابت‌های انتخاباتی و... عمل می‌کند. بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای تنش‌ها و منازعات ناشی از حس مکان و تاثیرات هویتی آن را می‌توان در تنش‌ها و منازعاتی که منجر به نقش آفرینی و کنش‌گری ساکنان محلی و اعتراضات آنان چه به صورت مسالمت آمیز و چه خشونت آمیز بیان کرد. بر این اساس منازعات تقسیم شهرستان کازرون و تشکیل شهرستان کوه چنار، جدایی دهستان خسرو و شیرین از اقلید و الحاق آن به آباده، تنش‌ها و منازعات میان شهرستان لارستان و شهرستان‌های منتزع از آن از جمله گراش، اوز، جویم، خنج و لامرد، تنش‌های ناشی از انتقال آب از سد سیوند پاسارگاد به ارسنجان، منازعات مربوط به اختلاف مرزی داراب و استهبان، رقابت‌های محلی برای ارتقای سطح سیاسی و ایفای نقش مرکزیت در سطح استان و همچنین رقابت‌های تنش آمیز انتخاباتی در سطح حوزه‌های انتخابیه استان را می‌توان ناشی از کاکرد این مولفه بیان کرد.

بنابراین با توجه به تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق می‌توان گفت که اکثر مولفه‌های تنش و منازعه در سطح قلمروهای سیاسی - اداری، در سطح استان فارس و میان شهرستان‌های آن نقش آفرین بوده‌اند. در سطح بین‌استانی نیز، نقش آفرینی هر یک از مولفه‌های تنش آمیز بین استان فارس و استان‌های همجوار را به شرح زیر می‌توان تحلیل کرد:

اختلافات مرزی: یافته‌های کتابخانه‌ای نشان می‌دهد که انواع مختلف اختلافات مرزی اعم از اختلافات مکانی، ارضی، عملکردی و منابع مشترک در بین استان فارس و همسایگان آن وجود دارد. بر این اساس تنش‌ها و اختلافات مرزی استان فارس و یزد در شهرستان بوانات، منازعات میان استان فارس و کرمان در منطقه نی ریز بر سر روستاهای مرزی و اراضی معدنی، تنش‌های مرزی در بخش ماهور میلانی شهرستان ممسنی با شهرستان گچساران استان کهگیلویه و بویراحمد، تنش‌های مربوط به کوچ عشایر بین استان فارس و اصفهان و اختلافات مربوط به منابع آبی مشترک در مرزهای استان فارس با استان‌های یزد، اصفهان، کهگیلویه و بویراحمد و بوشهر را می‌توان در قالب مولفه فوق تبیین کرد.

رقابت در دستیابی و بهره برداری از منابع آبی: مطابق با یافته‌های کتابخانه‌ای تحقیق، تنش‌ها بر سر آبخوان‌های مشترک مرزی میان استان فارس و یزد در حوضه ابرکوه، تنش‌ها و منازعات آبی استان فارس و

اصفهان بر سر حقایق سد ایزدخواست، تنش‌ها و منازعات آبی میان استان فارس و بوشهر بر سر انتقال آب از کازرون به دشتستان بوشهر و احداث سد نرگسی بر روی سرشاخه‌های رود دالکی، تنش‌ها و منازعات میان استان فارس و کهگیلویه و بویر احمد بر سر احداث سد تنگ شیو در شهرستان رستم و تنش‌ها و منازعات ناشی از انتقال آب سد تنگ سرخ کهگیلویه و بویر احمد به استان فارس را می‌توان در قالب مولفه فوق تبیین نمود.

تلاش برای تغییر مرزهای تقسیمات کشوری و گسترش ارضی استان در جنوب: بر این اساس تنش‌ها و منازعات طرح اتصال استان فارس به خلیج فارس از طریق شهرستان پارسیان هرمزگان و تنش‌ها و منازعات ناشی از الحاق احتمالی شهرستان عسلویه بوشهر به استان فارس را می‌توان در قالب تلاش استان فارس برای گسترش ارضی استان در مرزهای جنوبی تبیین کرد.

رقابت‌ها و اختلافات در بهره برداری از اراضی معدنی و میادین انرژی: بر اساس یافته‌های کتابخانه‌ای تحقیق مواردی مانند رقابت‌های استان فارس و یزد در منطقه بوانات برای بهره برداری از منابع معدنی مشترک، اختلافات میان استان فارس و کرمان در بهره برداری از معادن منطقه مرزی نی ریز- سیرجان و اختلافات میان استان فارس و هرمزگان در بهره برداری از میدان مشترک گازی تابناک سبب بروز تنش‌ها و منازعاتی میان استان فارس و استان‌های همجوار شده است.

رقابت‌ها در احداث و بهره برداری پروژه‌های اقتصادی: مطالعات کتابخانه‌ای تحقیق نشان می‌دهد که اعتراضات نسبت به انتقال صنایع پتروشیمی استان فارس به استان بوشهر، اختلافات استان فارس و هرمزگان بر سر میدان مشترک گازی تابناک و تنش‌های احتمالی در آینده بر سر پروژه‌های انتقال آب از خلیج فارس، ناشی از نقش آفرینی مولفه فوق می‌باشد.

اختلافات مربوط به آلاینده‌های زیست محیطی: بر اساس یافته‌های کتابخانه‌ای، اختلافات و تنش‌های میان استان فارس و بوشهر بر سر عوارض آلاینده‌های منطقه عسلویه و تنش‌های ناشی از آلودگی‌های زیست محیطی میدان گازی تابناک میان استان فارس و هرمزگان در قالب مولفه فوق قابل تحلیل است.

وسعت زیاد استان و واگرایی نواحی حاشیه‌ای: بر اساس یافته‌های کتابخانه‌ای، وسعت زیاد استان و کاهش روابط فضایی عملکردی میان مرکز استان و نواحی حاشیه‌ای، ضعف خدمات رسانی و در نهایت توسعه نامتوازن استان فارس با استان‌های همجوار سبب بروز برخی تمایلات واگرایی در نواحی پیرامونی استان جهت الحاق به استان‌های مجاور شده است. بر این اساس تنش‌ها و منازعات بر سر انتزاع احتمالی شهر ایزدخواست شهرستان آباده استان فارس و الحاق آن به استان اصفهان و تنش‌های ناشی از انتزاع احتمالی

شهرستان رستم از استان فارس و الحاق آن به استان کهگیلویه و بویر احمد را می‌توان در قالب مولفه ذکر شده تبیین نمود.

توسعه نامتوازن شهرستان‌های مرزی استان فارس با شهرستان‌های مرزی استان‌های همجوار: توسعه نامتوازن میان شهرستان‌ها در سطح استان فارس و همچنین تفاوت‌های توسعه در شهرستان‌های حاشیه‌ای با شهرستان‌های مرزی استان‌های مجاور سبب گسترش انگاره‌های تبعیض و محرومیت و گسترش تمایلات واگرایانه در میان ساکنان شهرستان‌های مرزی استان فارس شده است. با وجود تعلق تاریخی و هویتی بسیاری از شهرستان‌های حاشیه‌ای و نقش آفرینی سیاسی- اداری آنها در چارچوب استان فارس در طول تاریخ، به نظر می‌رسد انگیزه‌های رشد و توسعه اقتصادی به تدریج بر پیوندهای هویتی آنها غلبه کرده و امیدواری‌های ناشی از توسعه مورد انتظار خود در قالب الحاق به استان‌های مجاور باعث شکل‌گیری و گسترش تمایلات واگرایانه در میان برخی شهروندان شهرستان‌های حاشیه‌ای و مرزی استان فارس شده است.

حس مکانی قوی استان‌های مجاور و تعارضات هویتی بین استانی: مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که این عامل عمدتاً در منازعاتی که سبب ایجاد برخی منافع برای استان فارس شده است، تبلور یافته و بصورت اعتراضات عمومی در سطح ساکنان، فعالان مدنی و مسئولین استان‌های مجاور نقش آفرینی نموده است. بر این اساس حس مکانی و تعارضات هویتی را می‌توان در اعتراضات هرمزگان نسبت به طرح اتصال استان فارس به خلیج فارس از طریق شهرستان پارسیان، اعتراضات اهالی بوشهر نسبت به الحاق احتمالی شهرستان عسلویه به استان فارس و نارضایتی و اعتراض ساکنان استان کهگیلویه و بویراحمد نسبت به انتقال آب از سد تنگ شیو به استان فارس تبیین نمود.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق مهم‌ترین عوامل تنش و منازعه میان قلمروهای سیاسی- اداری استان فارس در دو سطح درون استانی و بین‌استانی مورد بررسی قرار گرفت. با مشخص شدن عوامل و منابع تنش و منازعه استان نتایج زیر را می‌توان از این تحقیق استخراج نمود:

بر اساس نتایج تحقیق، عواملی مانند وسعت زیاد استان و کاهش تعاملات فضایی میان نواحی حاشیه‌ای با مرکز استان (شیراز)، عدم توسعه مناسب و متوازن شهرستان‌های پیرامونی استان، شکل‌گیری انگاره‌های تبعیض و بی‌عدالتی در میان شهرستان‌های مرزی استان، توسعه روابط فضایی و عملکردی با مراکز و شهرستان‌های استان‌های مجاور و انگیزه‌های رشد و توسعه در چارچوب الحاق به استان‌های مجاور سبب رشد تمایلات واگرایانه در مناطق پیرامونی استان شده است. به نظر می‌رسد با

وجود تعلق تاریخی بسیاری از شهرستان‌ها به استان فارس، بتدریج انگیزه‌های رشد و توسعه اقتصادی بر پیوندهای هویتی و تاریخی غلبه نموده و تمایلات واگرایانه را در مناطق پیرامونی استان گسترش دهد.

تجزیه و تحلیل تنش‌ها و منازعات میان قلمروهای سیاسی استان فارس نشان می‌دهد که در هر تنش و منازعه، مجموعه‌ای از عوامل تنش و منازعه بصورت سیستماتیک در فرآیند منازعات دخالت دارند. در بسیاری از موارد تغییرات مرزها و یا محدوده‌های تقسیمات کشوری تحت تاثیر عوامل جغرافیای قدرت و حمایت باعث شکل‌گیری منافع متعارض، از بین رفتن همگنی‌های طبیعی - فرهنگی و تشدید رقابت‌ها و اختلافات محلی شده و سپس بازیگران قدرت در سطح قلمروهای سیاسی اعم از شهروندان، مسئولان سیاسی، نخبگان محلی و فعالان مدنی با توجه به حس مکانی نسبت به قلمرو سیاسی خود اقدام به نقش آفرینی در قالب اعتراضات اعم از مسالمت آمیز و یا خشونت آمیز می‌کنند. با توجه به افزایش جمعیت و گسترش نیاز به مواد غذایی، توسعه صنایع و وابستگی اقتصاد بسیاری از ساکنان استان به کشاورزی از یک سو و از سوی دیگر تشدید روند کاهش منابع آب زیر زمینی و جاری استان، انتظار می‌رود رقابت‌ها و منازعات میان قلمروهای سیاسی - اداری استان برای دسترسی به این منبع حیاتی در آینده افزایش یابد. بررسی تنش‌ها و منازعات در گستره استان نیز حاکی از آن است که اکثر تنش‌ها در ارتباط با رقابت‌ها و اختلافات محلی برای دستیابی و بهره برداری از منابع آبی است. همین امر سبب می‌شود تا منابع آبی بخصوص سدهای استان به عنوان منبع مهم تنش و منازعه در آینده نیز نقش آفرین باشند و با توجه به روند موجود، منازعات آبی در آینده بیش از پیش میان قلمروهای سیاسی - اداری استان فارس گسترش خواهد یافت.

در میان منازعات شکل گرفته در سطح شهرستان‌های استان، شدیدترین و خشونت‌آمیزترین منازعات در شهرستان کازرون نسبت به تشکیل شهرستان کوه چنار و در زمینه تغییرات تقسیمات کشوری شکل گرفته است. پس از آن می‌توان به خشونت‌های شکل گرفته در اقلید نسبت به جدایی دهستان خسرو و شیرین و منازعات تقسیمات کشوری میان لارستان و شهرستان‌های منتزع از آن اشاره کرد که اخبار و تحولات مربوط به آنها نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح بین المللی نیز انعکاس یافت. از لحاظ تلفات انسانی، منازعات جدایی کوه چنار از شهرستان کازرون و همچنین منازعات انتقال آب از کازرون به دشتستان بوشهر با تلفات جانی همراه بود. به نظر می‌رسد در بین شهرستان‌های استان، شهرستان کازرون از لحاظ شدت منازعات و ابعاد خشونت آمیز آن و همچنین تنوع منابع تنش و منازعه از ظرفیت بیشتری برخوردار است. از اینرو مدیریت سیاسی این شهرستان نیاز به اتخاذ تدابیری

خاص با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی این منطقه دارد. در سطح بین‌استانی نیز شدیدترین منازعات در زمینه طرح اتصال استان فارس به خلیج فارس از طریق الحاق بخش‌هایی از شهرستان پارسیان هرمزگان به استان فارس روی داد. اعتراضات صورت گرفته در این زمینه عمدتاً در استان هرمزگان و مرکز آن یعنی شهر بندرعباس به وقوع پیوست. از طرف دیگر بررسی تنش‌ها و منازعات بین‌استانی نشان می‌دهد که تنش‌های میان استان فارس با استان بوشهر از تنوع بیشتری برخوردار بوده و مواردی مانند تغییرات تقسیمات کشوری، رقابت‌های محلی برای دسترسی و بهره‌برداری از منابع جغرافیایی، رقابت جهت احداث زیرساخت‌های اقتصادی و صنعتی، تنش‌های زیست محیطی، جغرافیای قدرت و حمایت و حس مکانی قلمروهای سیاسی-اداری در تشکیل منازعات میان دو استان فوق نقش آفرین بوده است. منازعات بین این دو استان در شهرستان کازرون با تلفات انسانی نیز همراه بود.

با وجود تمایلات جدایی طلبانه در سطح ساکنان برخی نواحی حاشیه‌ای استان جهت الحاق به استان‌های مجاور، رقابت‌ها و اختلافات تنش آمیز بر سر منابع جغرافیایی میان این مناطق با شهرستان‌های مرزی استان‌های همجوار نیز بطور همزمان وجود دارد. در این مناطق دو روند متفاوت از همگرایی فضایی - عملکردی با استان‌های مجاور از یک سو و از سوی دیگر اختلاف و رقابت بر سر منابع جغرافیایی با شهرستان‌های مجاور استان‌های همسایه در حال طی شدن است. در این زمینه می‌توان به تمایلات واگرایانه ساکنان شهر ایزدخواست شهرستان آباده در شمال فارس جهت الحاق به استان اصفهان از یک سو و در عین حال مخالفت آنها با انتقال آب به منطقه رامشه اصفهان اشاره کرد. همچنین تمایلات ساکنان شهرستان رستم در شمال غرب فارس جهت الحاق به استان کهگیلویه و بویر احمد در حالی است که آنها در مورد مالکیت و بهره‌برداری از سد در حال ساخت تنگ شیو اختلافاتی را با استان مجاور خود پیدا نموده‌اند. به نظر می‌رسد این اختلافات در سطح نواحی محلی حتی در صورت الحاق این واحدها به قلمرو استان‌های همسایه ادامه یابد.

مقایسه عوامل تنش و منازعه در سطح درون استانی و بین‌استانی نشان می‌دهد که تا حد زیادی این عوامل در هر دو سطح مشترک بوده و بیشترین عوامل تنش و منازعه درون استانی و بین‌استانی در زمینه مولفه تغییرات مرزها و محدوده‌های تقسیمات کشوری و همچنین رقابت میان قلمروهای سیاسی برای دسترسی به منابع جغرافیایی بوده است.

تجزیه و تحلیل تنش‌های ناشی از تغییر محدوده‌های تقسیمات کشوری و انتزاع یک بخش از یک شهرستان و ارتقای آن به شهرستان جدید نشان می‌دهد که با گسترش منازعات و پیش رفتن آن به

سمت خشونت‌های فراگیر محلی، دولت مرکزی به منظور کاهش منازعات و کسب رضایت ساکنان قلمروهای معترض اقدام به اعطای امتیازات خاص به این مناطق می‌کند. اعطای فرمانداری ویژه به شهرستان لارستان در اوج منازعات ناشی از جدایی بخش اوز از این شهرستان صورت گرفت. همچنین شهرستان کازرون نیز در گیر و دار منازعات ناشی از جدایی کوه چنار از آن به فرمانداری ویژه ارتقاء یافت.

حقوق مادی و معنوی تحقیق:

این مقاله مستخرج از رساله دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس می‌باشد.

کتابنامه

1. Ahmadi, S., & Akbarzadeh, M., (2018). Political-Security Impacts of Drying of Lake Urmia, International Quarterly of Geopolitics, Volume 14, Issue 51. [In Persian]
2. Ahmadipour, Z., & Rahnama, E., (2011). The role of the system of country divisions in the national development of the case: Iran, The Journal of Spatial Planning, MJSP 2011; 15 (2). [In Persian]
3. Ahmadipour, Z., & Ghanbari, GH., (2009). The Analysis of effective ingredient on the preferment, levels of country's divisions; Case study: Fars province, Volume 5, Issue 14. [In Persian]
4. Ahmadipour, Z., & Jafarzadeh, H., (2014). Function Analysis of Administrative Divisions in Implementation of Land Preparation with Emphasis on Iran, Journal of Regional Planning /Vol. 4/ No. 14. [In Persian]
5. Ahmadipour, Z., & Mansourian, A., (2005). Administrative Divisions and Political Instabilities in Iran (1906-1978), International Quarterly of Geopolitics, Volume 2, Issue 3. [In Persian]
6. Ahmadipour, Z., & Mirshekaran, Y., (2009). The role of Geography Power & Support in Forming of New Division Boundaries after the Islamic Reveloution in Iran(Township Level). MJSP; 13 (1). [In Persian]
7. Ahmadipour, Z., & Mirzaei Tabar, M., (2009). The role of sense of place in the political organization of space, Journal of Environmental-based Territorial Planning (JETP), NO.12. [In Persian]
8. Azami, H., & Dabiri, A., (2009). Analysis of economic -functional and form – physical threatening elements in state divisions system of Iran, Journal of Geography and Regional Development, Volume 10, Issue 18. [In Persian]
9. Azami, H., & Dabiri, A., (2012), Analysis threats elements of political - security in the Country's divisions system Iran, The Journal of Spatial Planning, MJSP; 15 (4). [In Persian]
10. Bächler, G., (2004). Conflict Transformation through State Reform, Berghof Research Center for Constructive Conflict Management, p:2.
11. Barakpour, N., & Masoudi, S., (2019). A Study of Reform Policy for Local Management Zones in Iran, Strategic Studies Quarterly, Volume 22, Issue 84. [In Persian]
12. Bazzi, S., & Matthew G., (2016). Local Government Proliferation, Diversity, and Conflict, Studies of Conflict Project (ESOC) Working Papers 5, Empirical Studies of Conflict Project, p:1, 23,29.

13. Brecher, M., (2008), International Political Earthquakes, United States: Michigan University Press, p:6.
14. Country Mapping Organization(2018). Map and spatial information atlas (Fars province), Tehran: Iran Mapping Organization. [In Persian]
15. Creanga, L., (2001). Local public administration in the context of current constitutional provisions and perspective of new constitutional regulations,p:1.
16. Dolphus, O., (1998). Geographical space, translated by Siros Sohami, published by Nika. [In Persian]
17. Etaat, J., & Mousavi, Z., (2009). National Administrative Divisions and Sustainable Development; Case Study of Iran, International Quarterly of Geopolitics, Volume 4, Issue 13. [In Persian]
18. Etaat, J., & Mousavi, Z., (2011). The Relationship between Regional Security and Development of Political Spaces Case Study: Sistan and Baluchistan Province in Iran, International Quarterly of Geopolitics, Volume 7, Issue 21. [In Persian]
19. Hafeznia, M., (2012), Political Geography of Iran, Samt Publications. [In Persian]
20. Hafeznia.M & Ghorbaninejad.R(2015), Tension and Conflict Theories between Countries: Review, Critique and Presenting a Theoretical Model, International Quarterly of Geopolitics, Volume 9, Issue 32. [In Persian]
21. Harbom, L., Högladh, S., & Wallenstein, P., (2006). Armed conflict and peace agreements. *Journal of Peace Research*, 43(5):617-631.
22. Iran Statistics Center (2015). General Population and Housing Census 2015. [In Persian]
23. Jackson, P., & Scott, Z., (2007). *Local Government in Post-Conflict Environments*. United Nations Development Programme Oslo Governance Centre, p: 5-6.
24. Karimipour, Y., & Mohammadi, H., (2008). *Geopolitics of Regionalism and Administrative Divisions of Iran*. Tehran: published by Entekhab. [In Persian]
25. Office of Administrative Divisions (2022). *list of elements and units of Administrative divisions*. Tehran: Ministry of Interior. [In Persian]
26. Pishgahifard, Z., & Gholami, B., (2010). Investigating the effects of the geographical shape of Ilam province on its underdevelopment. *Journal of Regional Planning* ,2(8): 88-98. [In Persian]
27. Pour Mousavi, M., (2009). Political Organization of Cultural and Functional Spaces and Areas in Iran. *International Quarterly of Geopolitics*, 4(13): 85-95. [In Persian]
28. Prescott, J.V., (1987). *Political frontiers & boundaries*. London: Routledge.
29. Rashidi, M., & Alipour, A., (2016). The Geopolitical Pathology of Iran's Administrative Divisions in Terms of Spatial Planning. *Research Political Geography Quarterly*, 1(3), 63-78. [In Persian]
30. Riahi, V., & Afrakhte, H., & Salehpour, SH., (2020). Factors Affecting Inefficiency of the Country Divisions System at the Local Level (Case Study: Urmia County). *International Quarterly of Geopolitics*, 16(59):26-43. [In Persian]
31. Schellenberg, J., & Donald P.I., (2014). *Conflict between communities*. World Peace Academy.
32. Smith, D., (2008). *Towards a strategic framework for peacebuilding: Getting their act together*. Roayl Norwegian Ministry of Foreign Affairs.
33. Subra, P., (2012). Geopolitics: A Unique or Multidimensional Concept? *Hérodote*,3(146-147): 45-70.

34. Suraji, S., (2018). *Administrative Region Proliferation and a Conflict of Interests on Public Bureaucracy Distribution in Indonesia*. Annual International Conference of Business and Public Administration.
35. Swianiewicz, P., (2010). Territorial Fragmentation As a Problem, Consolidation As a Solution?. Budapest: Local Government and Public Service Reform Initiative.
36. Tumanyan, D., (2005). The ways of local self-government system development in the republic of Armenia. Policy Papers of the Armenian Team in the Framework of the South Caucasus Regional Project.
37. Venice commission, (2002). *Administrative and territorial reforms creating territorial communities or authorities at deferent levels*. Final activity report, Strasbourg.
38. Wang, K., & Liu, Y., (2019). New discussion and reflection on "Administrative division itself can be seen as a resource". *Geographical Research*, 38(2):187-196.

